

پیام کمیته زنان افغان مقیم کشور دنمارک

به مناسبت

بزرگداشت از هشتم مارچ روز جهانی زن

زن اگر نیست زنده گانی نیست مردمی نیست مهربانی نیست
دامن زن چو بوستان خداست گلشن مهر و آشیان وفاست

«استاد خلیلی»

هشتم مارچ روز جهانی زن را به همهٔ زنان جهان، به مادران و خواهران افغان مخصوصاً به آنانیکه در شرایط سخت و دشوار در تحت شکنجه های بیداد گرانه ستم و استبداد، فقر و ظلمت در کشور عزیز مان افغانستان، قرار دارند از جانب کمیته زنان افغان مقیم کشور دنمارک تبریک و تهنیت میگویم.

یکی از جوانب عمده و اساسی جامعه افغانی را مانند هر جامعهٔ دیگر بشری، حقوق، وجایب و مقام زن در سیستم اجتماعی آن تشکیل میدهد. با نگرش از این زاویه به تابلوی مسایل مربوط به زنان در افغانستان امروزی، صرفاً میتوان دو رنگ را مشاهده کرد: رنگ خون و رنگ اشک!

پس از سقوط حاکمیت قرون وسطایی طالبان در کشور حدود «۷» سال میگذرد، با تمام مساعدت های جامعه بین المللی هم از حقوق اجتماعی - اقتصادی، سیاسی - فرهنگی، بهداشت خانواده گی و ... وضع زنان کشور ما غیر قابل تحمل است.

خود سوزی زنان، قبل از همه مبنی بر ذهنیت مرد سالاری، خشونت خانواده گی و فقر اقتصادی بوده که تعدادی از مردان، راه برون رفت از این معضله را دریافت نکرده و در عوض باخیره سری و جهالت خویش به شکنجه، لت و کوب و حتی کشتن زنان خویش متوصل میشوند.



طی سالجاری حدود ۲۱۷۶ مورد خشونت علیه زنان، که بیشتر آن، ازدواج های اجباری، لت و کوب و خود سوزی بوده است، ثبت شده است.



تعداد خود سوزی زنان در ویالات غربی کشور به خصوص در ولایات فراه به ۳۰ تن میرسد که به اثر خود سوزی جان باخته اند و ۶۴ مورد سوختگی زنان واقع شده، که حدود نیمی از آن خود سوزی بوده است.

آسیب پذیری زنان در افغانستان بیشتر به دلیل: عدم موجودیت و امکانات شرایط کاری و تحصیلی برای زنان، عدم رشد فکری، فقر اقتصادی در خانواده ها و در سطح کشور (چون در حدود ۸۰ درصد از باشندگان کشور ما، با داشتن اقتصاد زیر صفر زنده گی میکنند)، افزایش عدم امنیت در کشور، صورت گرفته و میگیرد، از جمله جنایات فجیعانه تر و غم انگیز تر با زنان زیر ستم و اسیر کشور در رژیم کنونی، تحت نام اسلام

و دموکراسی صورت گرفته است. زنان شوهر دار را جبراً، خلاف قوانین اسلامی، ضد کرامت انسانی و مغایر اعلامیه جهانی حقوق بشر از همسران شان با زور «برچه» و «تفنگ» جدا نموده و آنها را با افتضاح مرد سالارانه فرعونى خود، بالای خریداران خون آشام دیگر به فروش میرسانند. و یا کسانی که زنان شوهر دار را با اعمال وحشیانه و اوصاف فرعونى خود و با قدرت اسلحه، از شوهران و اطفال معصوم شان جدا نموده، بعداً آنها را بالای مردان جلادِ دیگر به فروش میرسانند. آیا میشود که اینها را انسان و مسلمان شمرد؟!

شرم آورتر از این که دختران جوان، نو بالغ، نا بالغ و بیوه زنان را نیز به مثابه یک متاع توسط مرد سالاران به فروش میرسانند و مرد سالاران آنها را نیز از هرگونه حقوق مدنی، اجتماعی، سیاسی و ... محروم نگهداشته و نگه میدارند.

در فرهنگ و جامعه قومی، قبیله‌ای، طایفه‌ای و خانواده‌های افغانستان، زنان به اسارت ویژه مرد سالاران و سنت‌های خرافاتی جامعه قرار دارند که متأسفانه زنان از ابتدایی‌ترین حقوق خود محروم میباشند.

در رژیم موجود بر علاوه آنکه تحت نام دموکراسی و حقوق بشر در وضع زنان کدام تغییری به وجود نیامده است، برخلاف: تجاوز بر زنان زندانی، تبادله دختر «۱۱» ساله با سگ جنگی، طلاق‌ها و ازدواج‌های اجباری، فروش دختران جوان و پایین سن ده ساله گی، اختطاف و ترور زنان، گوش و بینی بریدن زنان، خود سوزی زنان، کشتن زنان توسط داس و تبر و تجاوز جنسی بالای طفل «۴» ساله، از دلخراش‌ترین و اندوهناک‌ترین مسایل است که در کشور جریان دارد.

فشارهای روانی، فقر و بدبختی، مصیبت و بیکاری از جمله عواملی است که زنان را به سوی بدبختی و انحرافات اجتماعی میکشاند. با تأسف یادآور میشوم که نی از گسترش سواد در روستاها برای زنان خبری است و نی از ایجاد اشتغال آنان و نی از بهبود وضعیت بهداشتی آنان (در دوران بار داری و شیردهی) و نی تاکنون توانسته اند جلو خشونت‌های خانواده گی را در قبال زنان بگیرند و از حقوق زنان دفاع نمایند، و زنان افغان را در قبال ادامه زنده گی امیدوار کنند.

زنجیر اسارت را به دست و پای زن افغان بسته اند. زنان مجال مشارکت و فعالیت اجتماعی - اقتصادی، سیاسی - فرهنگی را عملاً ندارند، که این یکی از بارزترین نشانه های سیاه بختی زنان به شمار میرود.

برمبنای علم است که زنان صاحب کار و شغل شده و از نگاه اقتصادی به خود متکی میشوند، این جاست که زنان از وابستگی اقتصادی مردان نجات پیدا نموده و به مناسبات اجتماعی جدید قدم میگذارند.

استقلال اقتصادی زنان به نوبه خود پیام آور آزادی های اجتماعی، فرهنگی، مادی، سیاسی، روانی و جنسی میباشد. زنان به اساس آگاهی سیاسی میتوانند، انگیزه اسارت خود را درک نمایند و در سدد مبارزات سرنوشت ساز و شکستن زنجیر های اسارت فرسوده نظام سیاسی و اجتماعی گردند.

باید یاد آور شد که حقوق گرفته میشود، نی اینکه داده میشود. زنان باید در این راه به مبارزه پیگیر ادامه دهند. زنان باید در قدم اول متکی به خود گردند و نصف بدن جامعه را از برده گی و اسارت آزاد نمایند.

زنان جوامع جهانی و زنان افغانستان، به خصوص ضرورت به خودسازی فکری و عملی دارند. آگاهی سیاسی باید اجتماعی گردد. باسازماندهی ارتقای تعلیم و دانش سیاسی زنان و تقویه اقتصاد جامعه، میتوان راه بیرون رفت از اسارت و بدبختی را دریافت. در عصر حاضر نباید بربریت های تاریخی زنان افزایش به عمل آید، بلکه طوریکه شرایط امروزی جهان ایجاب میکند، باید گام های متین در کاهش انواع محرومیت ها و اسارت زنان برداشته شود و برای نابودی دایمی این نا بسامانی ها باید به پا خیزست و مبارزه کرد.

فرخنده باد هشتم مارچ این روز همبستگی زنان سراسر جهان

07032008

www.ayenda.org